

بررسی انواع گناه در فرهنگ قرآنی؛ تفاوت اثم، ذنب، معصیت

انواع گناه در قرآن کدامند و خداوند از چه تعبیری در این زمینه استفاده می‌کند؟

اغلب ما در مسیر رشد انسانی خود دنبال کسب فضیلت هستیم؛ درحالی که مهم تر از به دست آوردن ثواب این است که بدانیم چه چیزهایی کارهای خیر ما را بی اثر می‌کند؛ زیرا تازمانی که موانع و آفت‌ها را نشناسیم، خوبی‌هایمان ماندگار نخواهند بود.

اگر خاطرتان باشد در درس‌های گذشته گفتیم که مهم‌ترین مانع در حرکت به سمت ابدیت که موجب می‌شود تمام تلاش‌های ما هدر برود و هیچ کدام از اعمال خیر کمکی به ما نکنند، گناه است؛ بر این اساس اصلی‌ترین وظیفه ما قبل از کسب فضیلت و انجام اعمال خیر شناخت انواع گناه و پرهیز از آن‌هاست.

درباره **انواع گناه** تقسیم‌بندی‌های مختلفی مطرح است که یکی از رایج‌ترین آن‌ها، تقسیم‌بندی گناهان به دو گروه ظاهری و باطنی است. گناهان ظاهری یا بدنی گناهانی هستند که شخص با اعضاء و جوارح خود مرتکب آن‌ها می‌شود، مانند: دزدی، قتل، شراب‌خواری، جاسوسی، غیبت و تهمت، اما گناهان باطنی یا قلبی حالات ناپسندی هستند که فرد آن‌ها را در دل جای می‌دهد، مانند: حسد، بخل، عصبانیت، بدگمانی، کینه، نفاق، خودپسندی و جاه‌طلبی.

دسته‌بندی دیگر تقسیم‌بندی گناهان به دو گروه صغیره و کبیره است. برای تفکیک این دو از هم نیز معیارهای خاصی وجود دارد که از جمله معروف‌ترین آن‌ها مطرح شدن وعده عذاب نسبت به آن گناه یا حداقل نهی کردن افراد از آن در قرآن و روایات است؛ به این صورت که هر گناهی که به طور مستقیم و غیرمستقیم از آن نهی شده باشد و یا در برابر ارتکاب آن وعده عذاب آمده باشد، گناه کبیره محسوب می‌شود؛ مثل قتل نفس که مستقیماً وعده عذاب نسبت به آن داده شده،^۱ یا رباخواری که در حکم جنگ با خدا و رسول

^۱ سوره نساء، آیه ۹۳

دانسته شده و افراد به طور ضمنی و غیرمستقیم از انجام آن نهی شده اند^۲؛ البته در زمینه تفکیک گناهان کبیره و صغیره قیود دیگری نیز وجود دارد که در کتاب های فقهی به آن ها پرداخته شده و ما برای جلوگیری از اطالۀ کلام از ذکر آن ها صرف نظر می کنیم.

موضوع اصلی مورد بحث ما در این درس بررسی واژه شناسانۀ انواع گناه از نگاه قرآن است که در ادامه به آن می پردازیم.

مفهوم انواع گناه در قرآن

ما در زبان فارسی به هر کار نادرست با هر درجه ای از زشتی و هر اثری که به همراه دارد، گناه می گوئیم، اما در زبان عربی که زبان قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است، اینگونه نیست. در عربی برای هر حالتی از گناه واژه ای خاص با بار معنایی خاص وجود دارد. این موضوع نه فقط در مورد گناه، بلکه در مورد سایر مفاهیم نیز صدق می کند؛ مثلاً ما در زبان فارسی لفظ «دل» را به کار می بریم، اما این دل در عربی طیف گسترده ای از واژه ها از قبیل نفس، قلب، سر، خفی و اخفی را دربرمی گیرد که هر کدام بیان کننده یکی از حالات حرکتی انسان است. در بین تمام زبان های دنیا تنها زبان عربی چنین قابلیتی دارد؛ به همین دلیل خداوند قرآن را به عربی نازل کرده تا بهترین و جامع ترین محتوا را به انسان منتقل کند.

درباره گناه در قرآن کریم، تعبیر متعددی مانند اثم، ذنب، سیئه، خطیئه و فساد به کار رفته که هرکدام به گونه ای حالات مختلف نفس را نشان می دهند. اعمال ما چهره های متفاوتی دارد و هرکدام از این تعبیر یک چهره از اعمال ما را نشان می دهد. در ادامه هر کدام از این واژه ها را به طور جداگانه توضیح خواهیم داد.

اثم

«اثم» یعنی کندی و عقب افتادن از خوبی‌ها. به گناه از آن جهت اثم گفته می‌شود که حرکت ما به سمت هدف خلقت مان را کند یا متوقف می‌کند؛ درست مانند وقتی که حرکت جنین در رحم مادر برای مدتی متوقف می‌شود و هیچ‌گونه اندام زایی ندارد. طبیعتاً چنین جنینی وقتی به دنیا متولد شود، آسیب‌ها و کمبودهای بسیاری خواهد داشت که حیات دنیوی اش را با مشکل مواجه می‌کند.^۳ گناه نیز چنین آثاری دارد و تولد سالم انسان به برزخ را با مشکل مواجه می‌کند.

ذنب

از دیگر واژه‌هایی که در قرآن برای بیان مفهوم گناه به کار می‌رود، ذنب است. «ذنب» در لغت به معنی آثار شوم و تبعات زشت کاری است. از آن جهت به گناه ذنب می‌گویند که آثار و تبعات ارتکاب آن تا قیامت در نفس انسان باقی می‌ماند.^۴ هر عملی که ما انجام می‌دهیم، یک اثر آنی و لحظه‌ای دارد و یک اثر پایدار و ماندگار. اثر آنی خیلی زود از بین می‌رود، اما اثر ماندگار باقی می‌ماند؛ درواقع نفس از جهاتی شبیه بدن است. وقتی ما در طول زمان چربی و قند زیادی مصرف می‌کنیم که نیاز بدن مان نیست، این چربی‌ها و قندهای اضافه در بدن ذخیره می‌شود و بعدها به شکل بیماری‌های مختلف خودش را نشان می‌دهد. گناه نیز این‌گونه است. هر گناهی، حتی اگر به اندازه‌دانه خردل باشد، به دلیل عدم تطابق با ساختار وجودی انسان نفس را آلوده می‌کند و این آلودگی‌ها هم در خود نفس ذخیره می‌شود و هم بسیاری از اوقات آثار و تبعات شوم اجتماعی دارد. به طور مثال، وقتی ما شبهه یا باور غلطی را در جامعه رواج می‌دهیم، فیلم نامناسبی را در فضای مجازی بارگزاری می‌کنیم، کتابی می‌نویسیم که اعتقادات افراد را سست می‌کند و ... آثار کار ما تا مدت‌ها و حتی پس از مرگ مان باقی می‌ماند و نسل‌های زیادی را به گمراهی می‌کشاند؛ در نتیجه ما در قیامت نه تنها باید پاسخگوی عمل نادرستی که انجام داده‌ایم، باشیم؛ بلکه

^۳ سوره انعام، آیه ۱۲۰
^۴ سوره شعراء، آیه ۱۴

باید پاسخگوی عواقب ناگوار ناشی از آن نیز باشیم. به همین دلیل هم قیامت پنجاه هزارسال طول می کشد تا به همه اعمال و آثار آن‌ها رسیدگی شود.

نفس انسان مثل حافظه کامپیوتر است که با انجام هر عملی، چیزی را در خود ذخیره می‌کند. وقتی حافظه را پاک می‌کنیم، داده‌های درون آن در ظاهر از بین می‌روند، اما به وسیله ریکآوری و بازیابی می‌توان همه آن‌ها را دوباره برگرداند. نفس هم به همین شکل است. وقتی ما از گناهان مان توبه و استغفار می‌کنیم، خداوند آثار گناه را پنهان می‌کند، اما این آثار هیچ‌گاه به طور کامل از بین نمی‌روند و اگر مراقبت نداشته باشیم، با کوچک‌ترین غفلت، همه آلودگی‌ها و عفونت‌های ناشی از گناه مثل لجنی که کف رودخانه ته نشین شده باشد، دوباره بالا می‌آیند و خودشان را نشان می‌دهند. به همین دلیل در روایات اسلامی توصیه شده که از گناهان، چه کوچک باشند و چه بزرگ، بپرهیزید؛ زیرا گناه نکردن آسان‌تر از توبه کردن است.^۵

سیئه

از دیگر انواع گناه در زبان قرآن، سیئه است. 6 «سیئه» غالباً در مقابل حسنه به کار می‌رود و به معنای عمل زشت و ناپسند است. به گناه از آن جهت سیئه می‌گویند که باطن ما را زشت و شبیه حیوانات وحشی نموده و از نورانیت، شادی و آرامش دورمان کم می‌کند. در سیئه، شخص با علم به حرام بودن کار دست به ارتکاب آن می‌زند؛ درواقع زشتی کار معلوم است، اما شخص به دلیل اینکه نمی‌تواند جلوی هوای نفسش را بگیرد، آن را انجام می‌دهد.

وزر و ثقل

یکی دیگر از واژه‌ها «وزر» است.^۷ وزر یعنی سنگینی. از آن جهت به گناه وزر گفته می‌شود که انسان را سنگین می‌کند و باعث کندی حرکت او به سمت هدف خلقت می‌شود. کسی که در حیات دنیایی اش به

^۵ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۰
^۶ سوره انعام، آیه ۱۶۰
^۷ سوره فاطر، آیه ۱۸

انواع گناه آلوده شده، مسیر سخت و پرمخاطره ای را در عالم برزخ در پیش دارد؛ زیرا باید کوله بار سنگین گناهان خود را یک تنه به دوش بکشد و از دره های تاریک و خوف ناکی که با اعمال خود ساخته و از میان حیوانات درنده و وحشی که تجسم اعمال خودش هستند، عبور کند.

معصیت

از دیگر انواع گناه از حیث واژه شناسی قرآنی، معصیت است.^۸ «معصیت» به معنای نافرمانی است و معمولاً زمانی مطرح می شود که ما با یک دستور الهی سروکار داریم، اما عمداً نسبت به آن تمرد و سرپیچی می کنیم؛ به طور مثال، می دانیم که باید حقوق خانواده را رعایت کنیم، می دانیم که باید واجبات دین را به جا آوریم، می دانیم انجام فلان عمل ظلم به دیگران است و نباید انجامش دهیم، اما سرکشی و گستاخی نفس که به دلیل غلبه بعد حیوانی بر بعد انسانی در وجود ما اتفاق افتاده، اجازه اطاعت از دستورات الهی را به ما نمی دهد.

حوب

واژه «حوب» فقط یک بار در قرآن آمده و آن هم در مورد خوردن مال یتیم است.^۹ «الحوبة» در اصل به معنی احتیاج و نیازی است که انسان را به گناه می کشاند و از آنجا که تجاوزهای سرپرستان به اموال یتیمان، غالباً بر اثر نیاز و یا به بهانه احتیاج صورت می گیرد، در آیه فوق به جای کلمه اثم، کلمه حوب به کار رفته، تا اشاره به این حقیقت بوده باشد.^{۱۰} حوب هم چنین به معنای چیزی است که منجرکننده است. گناه از آن جهت حوب نامیده می شود که منجرکننده و نفرت انگیز است.

^۸ سوره مجادله، آیه ۹
^۹ سوره نساء، آیه ۲

^{۱۰} تفسیر نمونه، جلد ۳، ص ۲۵۰

جرم

از دیگر انواع گناه که در ادعیه اسلامی و آیات قرآن به آن اشاره شده، جرم است^{۱۱}. «جرم» یعنی انقطاع و فاصله گرفتن از حق و مجرم یعنی اینکه کسی از مسیر طبیعی زندگی خارج شده و از آنچه که شایسته بوده، فاصله گرفته است. به گناه از آن جهت جرم می‌گویند که فرد با انجام آن از مسیر حق و مصادیق حق که همان خداوند و معصومین (علیهم السلام) هستند، فاصله می‌گیرد و به وادی گمراهی می‌افتد. فاصله گرفتن از حق و خروج از صراط مستقیم، قلب انسان را بیمار می‌کند و هرچه این فاصله گرفتن بیشتر باشد، بیماری قلب شدیدتر است. قلب بیمار نیز همان طور که قبلاً گفتیم، حیات برزخی سختی خواهد داشت و بسته به نوع و شدت بیماری باید در بیمارستان جهنم بماند و رنج درمان را تا رسیدن به شرایط طبیعی تحمل کند.

خطا

خطا در مقابل کار درست به کار می‌رود و معمولاً به کارهایی گفته می‌شود که ناخواسته و از روی غفلت از انسان سر می‌زند. گاه ما گناهی را از روی جهل و ندانستن انجام می‌دهیم؛ درواقع قصد انجام گناه نداریم، اما چون دامنه شناخت مان محدود است و تلاشی برای کسب آگاهی در این زمینه نکرده ایم، ناخواسته در وادی گناه گرفتار می‌شویم. به این نوع از گناهان در ادبیات دینی خطا می‌گویند^{۱۲}؛ مانند بسیاری از آداب و رسوم غلط که بین اقوام مختلف رواج دارد، اما مورد تأیید خداوند نیست و خطا محسوب می‌شود.

فساد

فساد از دیگر واژگانی است که هم در ادبیات قرآنی و هم در ادبیات فارسی بسیار پرکاربرد است و همه ما آن را شنیده ایم^{۱۳}؛ مثلاً می‌گوییم فلان غذا فاسد است، یا فلان عقیده فاسد است، یعنی آن غذا یا آن

۱۱ سوره انعام، آیه ۵۵
۱۲ سوره نساء، آیه ۹۲
۱۳ سوره قصص، آیه ۸۳

عقیده از وضعیت مطلوب فاصله گرفته و دچار اختلال شده است. فساد در مقابل صلاح و سلامتی قرار دارد و به هرگونه اختلال در عملکرد، عقیده و نظر که افراد را از وضعیت مطلوب دور کند، فساد می‌گویند؛ برای نمونه، فتنه انگیزی و سخن چینی بین دو نفر فساد ایجاد می‌کند؛ زیرا رابطه آن‌ها را از وضعیت مطلوب و آنچه که باید باشد، فاصله می‌دهد. بعضی از رفتارهای ناهنجار اجتماعی مثل عدم رعایت پوشش مناسب، در جامعه فساد ایجاد می‌کند. عدم رعایت وحدت ملی و قربانی کردن منافع جمعی به خاطر منافع فردی و حزبی، اجتماع را فاسد می‌کند و ...

قبیح

قبح یعنی زشتی و قبیح یعنی چیزی که زیبا نبوده و زشت و ناپسند است^{۱۴}. گاه زشتی در صورت عمل است؛ مانند پوشیدن لباس مخصوص خانه در اجتماع. گاه زشتی در لفظ است؛ مثل بی ادبی و فحاشی نسبت به دیگران. گاهی نیز اصل یک ماجرا قبیح است و پرداختن، فکر کردن و صحبت کردن در مورد آن کار درستی نیست.

در این درس درباره انواع گناه از دیدگاه قرآن صحبت کردیم و گفتیم که در فرهنگ فارسی واژگانی همچون ذنب، حوب، جرم، اثم، وزر، سیئه، معصیت، خطا، فساد، قبیح و مانند آن‌ها را گناه معنا می‌کنیم، اما در زبان قرآن و روایات، هر کدام از این کلمات با مفاهیم خاص و لطیفی که دارد، به گونه ای حالات مختلف نفس را نشان می‌دهد و در واقع با پیام مخصوص و هشدار ویژه ای، ما را از ارتکاب گناه برحذر می‌دارد.

^{۱۴} سوره قصص، آیه ۴۲